

پیام کنگره پنجم حزب توده ایران به خانواده های شهیدان و زندانیان سیاسی

* به خانواده های شهیدانی که هم پیمانان رشید توده های زحمت ، ره سپاران شب سیاه استبداد ، در جستجوی سپیده آزادی بودند و خاطره شکوهمندشان همچنان یاور مردم محروم است؛

* به خانواده های زندانیان سیاسی ، زندانیانی که کوشندگان و هموار کنندگان مسیر آزادی و عدالت از راه عمل انقلابی - اجتماعی و بیان و قلم اند؛

* به بند کشیدگانی که بیاتگر خواست های بر حق مردم ستم دیده ی میهن اند.

گام نهادن در مسیر حق جویی و آزادی خواهی ، که با گوهر هستی انسانی و اجتماعی بشر هم ذات است ، در جامعه های استبداد زده یی همچون جامعه ی ما ، با سدهای عظیم «قضایی» و امنیتی رو در رو می شود ، و گام پیمایان این مسیر طاقت فرسا را با تهدید ها ، خطر ها ، شکنجه ها و چوبه های دار و تیر باران روبه رو می کند ، چنان که مادران و پدران ، زنان و شوهران ، و خواهران و برادران شما خانواده های شهدا و زندانیان سیاسی با چنین فجایع و مصایبی روبه رو شدند و می شوند . پیوند ژرف شما با عزیزان مان - این زنده یاد و نامان ، و این بندیان سیاه چال های رژیم - در دایره ی رابطه ی مادر - پدر ، همسر - شوهر ، خواهر - برادر محدود نمی شود ، بلکه از آن در می گذرد و خصیصه یی اجتماعی - سیاسی پیدا می کند ، زیرا که این غم خواری ها ، هم نفسی ها و تلاش های هماهنگ دیرروز و امروز شماست که بر انگیزاننده ی حرکت گسترده در بین احزاب ، گروه ها و سازمان های سیاسی ، و نیز

پیام های پنجمین کنگره حزب توده ایران

سازمان های مدافع حقوق بشر، سازمان های مترقی زنان، جوانان و دانشجویان، و شخصیت های مستقل مترقی و هنرمندان، در درون و بیرون از میهن، شده است. حرکتی پرتوان، با نام جنبش مدنی برای دفاع از حقوق زندانیان سیاسی ایران، جنبشی که اخبارش به خبرهای هرروزه ی رسانه ها و سرعنوان اکثر مطبوعات درون و بیرون ایران مبدل شده است. سهم حزب ما را در این جنبش می توان با نگاهی حتی گذرا به شماره های «نامه مردم»، در سه دهه شصت، هفتاد و هشتاد - و نیز دهه های پیش از انقلاب - در شعارهای اصلی و پیگیر، و مقالات متعدد در باره ی «آزادی همه زندانیان سیاسی» به وضوح مشاهده کرد. و این همه، حاصل تاکنونی رنجی ست که برده اید و می برید، چرا که شما در لحظه - لحظه ی زندگی عزیزان تان زیسته اید، همراه با آنان در سیاه چال های حکومت قرون وسطایی ولایت فقیه تازیانه خورده اید، سالیان و ماه ها و روزها، ساعت ها و دقیقه ها، و ثانیه ها را هم حتی، در حبس گاه های بی نور و هوا و روزن، حبس کشیده اید، در بیداد گاه های «قوه قضاییه» صدور احکام ظالمانه را - طبق «قانون حاکمان» و نه قانون حافظ منافع توده ها - شاهد بوده اید، همواره با عزیزان تان به بالای دار رفته اید و پای دیوار سرمایه داری دلالی - انگلی تیر باران شده اید. رژیم ولایت فقیه در هراس خود از کوشش های شما، و به قصد حذف خبر و تصویر تلاش های شما و ممانعت از انتشار آن ها در بیرون از ایران بود که با دستپاچگی و خشم ناشی از ترس خود، زهرا کاظمی، خبرنگار عکاس، را زیر شکنجه به قتل رسانید. شما در تجمع های صبورانه و خستگی ناپذیرتان بر دروازه های بسته ی زندان های جورواجور رژیم - به غیر از زندان های نامریی - از برای یاری به عزیزان تان، چه به لحاظ روحی و عاطفی و چه به لحاظ قانونی (اگر حیثیت و معنایی هنوز حتی برای همان «قانون حاکمان» در حکومت کنونی باقی مانده باشد) فصلی نو از مبارزه ی اجتماعی در تاریخ بزرگ مبارزات مردم ایران گشوده اید. بر پایه تلاش های شما مسأله اعدام های سیاسی و زندانیان سیاسی، در قالب نقض خشن حقوق بشر در ایران و به وسیله قوه

قضائیه وابسته به مراکز قدرت استبدادی، موضوع اصلی مورد نظر اعطاء کنندگان جایزه صلح نوبل قرار گرفت، و این جایزه به یکی از فعالان پیگیر حقوق بشر در ایران، یعنی خانم شیرین عبادی، داده شد.

شما هم در چهره عزیزان تان، و هم در مقام پاره یی از توده ی زجر دیده و پایمال خود کامگی، گرمای امید به پیروزی آزادی و عدالت را در دل مردم میهن مان دمیده اید.

کوشش ها و تلاش های تان قرین پیروزی باد!

پنجمین کنگره حزب توده ایران

مهرماه ۱۳۸۲

پیام پنجمین کنگره حزب توده ایران

به توده های کار و زحمت، تولید کنندگان اصلی ثروت ملی، و مبارزان خستگی ناپذیر راه آزادی و عدالت اجتماعی

شرکت کنندگان پنجمین کنگره حزب توده ایران، گرم ترین درود های رزمجویانه خود را به شما زحمتکشان و تولید کنندگان اصلی ثروت ملی، که دلیرانه، و در شرایط سخت و دشوار اقتصادی و اجتماعی حاکم، به مبارزه در راه دموکراسی و عدالت اجتماعی ادامه می دهید، تقدیم می کند. میهن ما در ماه های اخیر لحظات حساس و پر تنشی را از سر گذرانده است. ادامه بحران سیاسی، اقتصادی-اجتماعی در کشور به دلیل سیاست های فاجعه بار رژیم ولایت فقیه از یک سو و تبعات سیاست های ماجراجویانه امپریالیسم در منطقه و در مرز های غربی و شرقی میهنمان، شرایط ویژه و خطرناکی را ایجاد کرده است. مسیر و آینده تحولات سیاسی و استقلال کشور و به تبع آن منافع کوتاه مدت و دراز مدت مردم زحمتکش میهن احساس مسئولیت همه نیروهای سیاسی - اجتماعی کشور را طلب می کند.

ادامه و وسعت گیری مبارزات صنفی- سیاسی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان میهن، در شش سال اخیر، نمایشگر امکانات بالقوه جنبش کارگری در پیشبرد امر جنبش مردمی، و کنار زدن مرتجعان حاکم از اهرم های تعیین کننده سیاسی- اقتصادی و اجتماعی کشور است. زحمتکشان کشور نشان داده اند که، با وجود ادامه سیاست سرکوب گرانه و برنامه های اقتصادی- اجتماعی ضد ملی و تبعات آن به لحاظ رشد بی

سابقه بیکاری و تشدید فقر و محرومیت، قادرند تا با هشیاری و درک روشن طبقاتی به مبارزه هدفمند خود ادامه دهند.

کنگره پنجم حزب توده ایران، با اعتقاد به رسالت تاریخی طبقه کارگر میهن ما و متحدان آن، و بر پایه تحلیل مشخص تحولات، و همچنین موازنه عینی نیروها در میهن- ضرورت شرکت موثر و محوری طبقه کارگر و زحمتکشان کشور در تحولات سیاسی را به عنوان تنها راه بیرون بردن جامعه از بن بست خطرناک کنونی تشخیص داده است.

بررسی بی طرفانه تجربه تحولات یک قرن اخیر در کشورمان موید این نظر است که، میزان پیروزی و یاشکست جنبش های مردمی و استمرار تحولات به طور جدانشدنی به عامل شرکت کارگران و زحمتکشان، درجه سازمان دهی آنان و حضور نیروهای سیاسی طبقه کارگر در تحولات بستگی داشته است. تجربیات درخشان مبارزات زحمتکشان در مبارزه برای ملی کردن صنعت نفت در سال های ۱۳۲۰، و مراحل تدارک و پیروزی انقلاب بهمن ۱۳۵۷ در مرحله سیاسی آن، از جمله نمونه های روشن توان نیروی طبقه کارگر میهن ماست.

حزب توده ایران مبارزه هدفمند، برنامه ریزی شده و پیگیر طبقه کارگر در مرحله نهایی و تعیین کننده انقلاب و از جمله سازماندهی اعتصاب سراسری را عامل عمده در فروپاشی رژیم شاه می داند. تاریخ معاصر ایران نقش کلیدی و برجسته کارگران در همه مراحل انقلاب بهمن و از جمله تظاهرات میلیونی در تهران و شهرستان ها و در مراحل انتهایی در مبارزات خیابانی با گزندگان رژیم در لحظه فروپاشی رژیم سلطنتی را ثبت کرده است. تجربه ارزنده پیروزی انقلاب بهمن که بدون نقش بی بدیل اعتصابات سراسری کارگران و زحمتکشان و کارمندان بخشهای اقتصادی مختلف، در راس آن صنایع نفت و برق، نمی توانست به پیروزی قطعی خود بیانجامد، درس بزرگی است که باید با دقت آن را به کار گرفت. بدیهی است که این نیروی عظیم به

همراهی و مشارکت سایر نیروهای سیاسی و تامین آزادی‌های سیاسی، نیاز دارد بدون آن نمی‌تواند کارآمد گردد. حزب توده ایران، بر اساس رشد مبارزات کارگران در رابطه با مسائل اقتصادی و صنفی در سال‌های اخیر، و عقب‌نشینی‌های حساب‌شده رژیم در رابطه با مسئله تشکیل سندیکا‌های مستقل کارگری، که زیر فشار سازمان بین‌المللی کار صورت گرفت، بر این اعتقاد است که زحمتکشان کشور می‌توانند بر ضعف‌ها و کمبودهای تشکیلاتی جنبش کارگری فایز آمده و سطح سازمان‌دهی و همبستگی در صفوف خود را ارتقاء دهند. حزب توده ایران در راستای این مهم تشکیل طبقه کارگر را در سازمان‌های صنفی مستقل خود، به عنوان اصلی‌ترین وظیفه نیروهای انقلابی و مدافعان واقعی منافع طبقه کارگر و طبیعتاً اعضاء و هواداران حزب توده ایران ارزیابی می‌کند.

پنجمین کنگره حزب توده ایران، بر پایه تحلیل اوضاع کشور، این باور را راهنمای عمل و فعالیت خود قرار داده است که تحول بنیادین در زمینه تامین پایدار آزادی‌های سیاسی-اجتماعی همان‌گونه که در صورت حفظ رژیم ولایت فقیه غیر ممکن است، بدون شرکت توده‌های مردم و در راس آنها کارگران، زحمتکشان و حقوق‌بگیران نیز غیر ممکن است.

در این راستا برای کارگران، زحمتکشان و حقوق‌بگیران ایجاد تشکل‌ها و سازمان‌های صنفی مستقل خود ضرورت فوری دارد، و درست به دلیل همین ضرورت است که آنان در ایجاد فضای باز سیاسی و دمکراسی، بیش از هر طبقه و قشر اجتماعی و نیروی دیگر سیاسی ذینفع‌اند، و حضور محوری و فعالشان در جنبش آزادی‌خواهی ضروری است.

حزب ما همچنین بر این اعتقاد است که، در غیاب نقش محوری کارگران، نتیجه تحولات سیاسی دربردارنده تغییرات کیفی جدی نخواهد بود و همانند تحولات یک قرن اخیر چه در پیروزی، چه در شکست، چه در جنگ، چه در صلح، چه در قحطی، چه

در فراوانی، چه در رونق و چه در رکود این زحمتکشان‌اند که بیشترین قربانی‌ها، سختی‌ها، گرسنگی و بیماری، بی‌خانمانی، ناامنی و عدم تامین اجتماعی را تحمل می‌کنند و حکام ریز و درشت، و تازه به دوران رسیده‌ها و «آقازاده‌ها» هستند که با بهره‌جویی از این وضع و حال مصیبت‌بار توده‌های زحمت، بر ثروت‌های بادآورده و افسانه‌ای خود باز هم می‌افزایند.

تجربه تحمیل حکومت روحانیان قشری، مرتجع و تاریک‌اندیش به جامعه در دنبال انقلاب بهمن بسیار گران‌قیمت بدست آمد، و بن‌بست ناگزیر اصلاح‌طلبان حکومتی برای بزک کردن جمهوری ستم، رنج و غارت نیز به آن تجربه افزوده شده است.

کارگران و زحمتکشان میهن!

جناح‌های رژیم ولایت فقیه، با وجود برخی اختلاف‌نظرها، همان‌گونه که در تلاش برای حفظ «نظام» هم‌زبان و همکارند، در حمله به حقوق و شرایط کار و زندگی زحمتکشان نیز مواضع مشترکی اتخاذ کرده‌اند. درست بر این اساس است که، در شش سال گذشته، شاهد سقوط شرایط زندگی زحمتکشان به پایین‌ترین سطح بوده‌ایم. دیگر سخنی هم از عوام‌فریبی‌های گذشته در رابطه با مستضعفین و دستان‌پینه‌بسته کارگران در میان نیست. روحانیان و مقامات حکومتی هر یک، اسلام‌گویان، برای خود گنج‌ها اندوخته و قصرها ساخته‌اند. آنها به یکسان از به میدان آمدن توده مردم، کارگران و زحمتکشان بی‌مناکند.

کنگره پنجم حزب توده ایران همچنین با توجه به موضع‌گیری نیروهای سیاسی کشور در رابطه با آینده تحولات میهن معتقد است که در بین مخالفین رژیم کنونی نیز نیروهایی هستند که همسان تاریک‌اندیشان حاکم از طبقه کارگر بیم دارند و می‌خواهند تغییر رژیم را تنها در بالا و با شرکت بخش معدودی از نیروهای اپوزیسیون، با

پشتیبانی قدرت های خارجی، حل کنند. در این شرایط کارگران و زحمتکشان می توانند بر پایه عملکرد هدفمند تشکل های مستقل و در اتحاد با دیگر آحاد جنبش مردمی یعنی زنان و دانشجویان راه تحقق تحولات پایدار و تکامل یابنده در جهت برطرف کردن ظلم و استثمار را باز گشایند.

کنگره پنجم حزب توده ایران، مبارزه در راه تشکیل جبهه واحدی از همه نیرو های مخالف رژیم و مدافع تحولات دموکراتیک در کشور را به عنوان شرط اصلی نیل به آزادی و عدالت اجتماعی و طرد رژیم ولایت فقیه می داند. آینده از آن جنبش خلق است و رژیم کنونی همچون سلف شاهنشاهی اش، در دادگاه تاریخ به شکست محکوم است. طبقه کارگر و زحمتکشان کشور در مسیر ساختمان این آینده نقش و مسئولیت عمده و تعیین کننده ای دارند. حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران، بر این باور، سمت اصلی فعالیت های خود را ایجاد شرایط تامین این نقش قرار داده است. با هم به سوی تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری برای آزادی، صلح، استقلال و عدالت اجتماعی!

پنجمین کنگره حزب توده ایران

مهرماه ۱۳۸۲

پیام کنگره پنجم حزب توده ایران

به جوانان و دانشجویان مبارز میهن!

جوانان و دانشجویان مبارز و آزادی خواه ایران!

پنجمین کنگره حزب توده ایران، در ده های پرشور و انقلابی خود را به شما پرچم داران مبارزات جان فشانه مردم میهن برضد ارتجاع، واپس گرایی و اختناق و در راه آزادی، صلح و عدالت اجتماعی که به رغم سرکوب گری بی سابقه حکومت استبدادی مبارزات بالنده خود را ادامه می دهید، نثار می کند. مبارزات مبتکرانه و موثر شما در کنار و همسنگر با کارگران و سایر زحمتکشان و نیز زنان میهن، در سال های اخیر، سهم بسزایی در گسترش و ارتقاء جنبش آزادی خواهانه و عدالت جویانه در میهن و به انزوا کشاندن سران رژیم «ولایت فقیه» داشته است. ریشه های عمیق و پایدار این مبارزات از گذشته بی حماسه آفرین و قهرمانانه، که در صفحات تاریخ جنبش مردمی میهن در یک قرن اخیر حک شده است، آب خورده و توان مند می شود. حزب توده ایران همواره بر نقش برجسته و تاثیر بخش جوانان و دانشجویان ترقی خواه میهن در جنبش ملی کردن صنعت نفت در دهه های ۲۰ و ۳۰، در مبارزات انقلابی بر ضد حکومت کودتا که با پیروزی انقلاب ملی و مردمی در بهمن ۱۳۵۷ به ثمر رسید، و در جنبش دموکراتیک ضد جنگ، عدالت جویانه و آزادی خواهانه بر ضد رژیم «ولایت فقیه»، تاکید داشته است. پیکار دلیرانه شما در این سال های پرتلاطم، که حاکمیت جبار و به غایت ارتجاعی ولایت فقیه به همه نوع تبهکاری برای سرکوب جنبش های مردمی دست می یازد و از ارتکاب هیچ ددمنشی فرو نمی گذارد، با وجود قتل و زندان و شکنجه، با صلابت و انسجام به پیش

رفته و لحظه‌یی از حرکت بازناستاده است. در دوره اخیر بازتاب تلاش‌های رزمجویانه شما از مرزهای کشور بسی فراتر رفته و حمایت و تحسین افکار عمومی جهان و به ویژه جوانان و دانشجویان را به خود جلب کرده است.

جوانان و دانشجویان آگاه و مبارز!

ضدیت و بیگانگی روحانیون حکومتی، ولایت فقیه، دستگاه قضایی قرون وسطایی و گزندگان شخصی پوش، نظامی و اطلاعاتی شان با علم، هنر، ورزش، زیبایی، تفریح و سرگرمی، جشن، خنده، رنگ و مهر آنچه انسانی است چیزی جز دشمنی با جوان و جوانی نیست. تسلط افکار ارتجاعیون حاکم در هر عرصه‌یی عملاً به منزله مخالفت با این مواهب و نشانه‌های زندگی انسانی است. تعطیل روزافزون مراکز تفریحی، فرهنگی و هنری توسط شهرداری در کنترل «دوب شدگان در ولایت» در ماه‌های اخیر نماد روشن تسلط تاریک اندیشان حاکم بر عرصه‌های طبیعی مورد علاقه و توجه جوانان است.

ارگان‌های سرکوب رژیم با آگاهی از نقش برجسته و موقعیت ممتاز جنبش دانشجویی، و با هدف هر چه بیشتر گستراندن چتر رعب و وحشت و سرکوب بر دانشگاه‌ها، که در سال‌های اخیر یکی از سنگرهای مهم پیکار بر ضد ارتجاع، استبداد و انحصارگرایی بوده است، با درس‌گیری از تبهکارترین رژیم‌های پلیسی و از جمله رژیم استبدادی شاه، موج حملات جدید و وحشیانه را سازمان داده‌اند. احیای مجدد کمیته‌های انضباطی توسط ارگان‌های اطلاعاتی حکومت برای قلع و قمع پیشروان جنبش دانشجویی نشانگر وحشت رژیم از وجدان همیشه بیدار جنبش دانشجویی است. محروم کردن دانشجویان پیشرو از تحصیل برای یک تا چند ترم و دستگیری‌های مخفیانه آنان یادآور ترفند‌های ساواک و رژیم شاه در سال‌های ۵۵-۱۳۵۶ برای غلبه بر جنبش اوج‌گیرنده دانشجویان است. بدیهی است که این ترفندها برای رژیم ولایت

فقیه ثمری جز آنچه برای سلفش شاه بار آورد به بار نخواهد آورد. در مواجهه با چنین شرایطی، جوانان و دانشجویان برای متحد کردن صفوف خود، راهی جز ایجاد و گسترش شوراهای و انجمنهای صنفی مستقل و فراگیر در سطوح مختلف آموزشگاه‌ها و دانشگاه‌ها در پیش روی ندارند. جنبش دانشجویی در صحنه مبارزات پرشور خود به این پختگی سیاسی نیز دست یافته است که خود را از بختک دخالت و کنترل جناح‌های حکومتی برهاند و بیش از پیش زمینه را برای شوراهای و انجمن‌های فراگیر صنفی و مواضع مستقل سیاسی آماده کند.

جوانان و دانشجویان مبارز و پیشرو!

تجربه جنبش دانشجویی در نبرد با دیکتاتوری سلطنتی و برضد تجاوز ساواک و گزندگان گارد به حریم علم و دانش نشان داد، که غلبه بر دیکتاتوری قرون وسطایی ولایت فقیه بدون به میدان آمدن توده مردم، زحمتکش‌شان و کارگران میسر نخواهد شد. شما چراغ آگاهی بخش چنین جنبشی هستید. عدم هماهنگی گام‌هایتان با مردم و مجموعه جنبش تنها به کند شدن و یا رکود جنبش کارسازتان خواهد انجامید.

حزب توده ایران جلب حمایت بین‌المللی از تمامی کوشش‌های هدف‌مند در مسیر اعاده آزادی و حقوق بشر و در راستای مبارزات شما و مردم میهنمان را بسیار کارساز می‌داند. فعالیت گسترده و هدف‌مند بخش عمده نیروهای سیاسی مترقی و مردمی و از جمله حزب توده ایران در راستای تامین چنین مهمی و جلب حمایت فعال افکار عمومی جهان از مبارزات هدف‌مند شما بوده است. بیانیه‌های متعدد «فدراسیون جهانی جوانان دموکرات» و «اتحادیه بین‌المللی دانشجویان»، به نمایندگی از سوی همه جوانان و دانشجویان مترقی و دموکرات جهان، در ماه‌های اخیر و در محکومیت قاطع اقدام‌های سرکوبگرانه رژیم ولایت فقیه و ارگان‌های امنیتی و انتظامی آن بر ضد دانشجویان و دستگیری و شکنجه آنان، از نمونه‌های چنین حمایتی

است. ما توجه پیشروان جنبش دانشجویی را به اهمیت گره زدن مبارزات مردم میهن با ابتکارهای صلح جویانه، ضد امپریالیستی و ترقی خواهانه جنبش مخالف «جهانی شدن» سرمایه داری جلب می کنیم. در شرایط بغرنج و حساس منطقه، نمی توان و نمی بایست خطر دخالت نیروهای خارجی، که به طور طبیعی پیش از همه چیز منافع استراتژیک، سوداگرانه، نظامی و یا ملی خود را در نظر دارند، از محاسبات خارج کرد. منزوی کردن آن بخش از نیروهای سیاسی یی که با اتخاذ شعارهای ماجراجویانه و غیرمسئولانه در زمینه سیاست های منطقه ای و بین المللی - مستقیم یا غیرمستقیم - مشوق، زمینه ساز و تحریک کننده دخالت خارجی در کشورند و همزمان، با سد آفرینی در مقابل شرکت توده های مردم در صحنه اصلی مبارزه و اتحاد نیروهای سیاسی اپوزیسیون، در جهت نابودی استقلال سیاسی میهن و جلوگیری از استقرار دموکراسی می کوشند، اهمیت استراتژیک دارد. جوانان و دانشجویان ایران هرگز فراموش نمی کنند که در دهه های اخیر چه نیروهایی با کودتا، سرکوب و نظامی گری و کوشش برای نابود کردن نیروهای آزادی خواه، ملی، چپ و مترقی، و با بی توجهی به فقر و بیسوادی موجبات ایجاد زیربنا، برای قدرت گیری بنیادگرایی و افکار قرون وسطایی مذهبی در میهن ما و منطقه را فراهم کردند. تعجبی نیست که ولایت مطلقه فقیه جایگزین سلطنت مطلقه شاه می شود؛ و بیش از پیش و با ابعد و سرعتی تصاعدی، سرکوب نیروهای ملی، چپ و مترقی ادامه می یابد. همین قدرتها بودند که از نیروهای مذهبی واپس گرا و اعمال سرکوبگرانه و جنایتکارانه شان، به عنوان سد محکمی در برابر شکل گیری و رشد نیروهای آزادی خواه، دموکراتیک و سوسیالیستی، با سکوت، تشویق و یا معاملات پنهان اطلاعاتی، استقبال کردند.

جوانان و دانشجویان آگاه و مبارز!

شعارهای روشن و دقیق سیاسی شما در سالیان اخیر در رابطه با هر دو جناح

حکومتی، ریشه در شناخت شما از وضعیت سیاسی میهن و نشانگر هوشیاری و سطح بالای آگاهی جنبش دانشجویی و جوانان میهن ماست. شما پیش و بیش از همه نقش مماشات گرانه و سازش کارانه اصلاح طلبان حکومتی را در تجربه سالیان اخیر خود، با گوشت و پوستن زیر ضربات قمه، چماق، زنجیر لباس - شخصی های دستگاه اطلاعاتی ولایت «فقیه» در خوابگاه ها و صحن دانشگاه ها و در جریان مجالس سخنرانی ها لمس کردید، و به درستی و با بلوغ سیاسی، تفاوت «جنبش دوم خرداد» و «اصلاح طلبان حکومتی» را باز شناختید و در شعارهای خود منعکس کرده اید. اصلاح طلبان حکومتی شور، امید و عشق شما را به آینده در جریان مبارزات انتخاباتی شبانه روزی تان در شش سال اخیر در با تلاق سازش ها، منافع شخصی، فساد و غارت اقتصادی، و همسفرگی با مرتجعان حاکم و بازیگری در صحنه سازی های آنان لگدمال کردند. آنها از جنبش اصلاح طلبی اصولاً چیزی بیش از حفظ چهره ای بزرگ شده رژیم «ولایت فقیه» و جلوگیری از انفجار اجتماعی - سیاسی نمی خواهند.

ما اعتقاد عمیق داریم که جنبش دانشجویی و جوانان قادر است تا با گسترش و تعمیق پیوندهای خود با کارگران و زحمتکشان و دفاع از پایه گذاری جبهه متحد و گسترده همه نیروهای سیاسی آزادی خواه و دموکرات کشور در روند مبارزات آتی برای تحولات اساسی، پایدار و دموکراتیک در میهن، نقش برجسته ای را ایفا کند. تشکیل جبهه واحد ضد دیکتاتوری گام مهم نخست در مسیر طرد رژیم قرون وسطایی و ضد مردمی ولایت فقیه و استقرار آزادی و عدالت اجتماعی است.

با درودهای گرم و رزمجویانه

کنگره پنجم حزب توده ایران

مهر ماه ۱۳۸۲

پیام کنگره پنجم حزب توده ایران

به نویسندگان ، شاعران و هنرمندان

به پرورش دهندگان آگاهی اجتماعی و شعور بشری ،
به کاشفان معنا و زیبایی هستی در زندگی آدمیان ،
به اربابان قلم ، تصویر ، اندیشه و بیان ،
به خلاقان عرصه ی اندیشه و تخیل !

کنگره به شما نویسندگان ، شاعران و هنرمندان ، همراهان همیشه ی دوران دشوار زندگی مردم ، به شما راویان رنج و عسرت زحمتکشان میهن ، به شما افشاگران رذیلت های پایان ناپذیر حاکمان در غارت هست و نیست مردم بی حقوق میهن مان ، درود می فرستد!

امروزه روز ، در جامعه ی همواره در غلیان ایران ما ، واژه - واژه ی مقاله ها و آثارتان ، که از سر عشق به عدالت و حرمت به حقوق و شان بشری توده های محروم ، بر ستون های مطبوعات و سطر های کتاب ها نقش می شود ، هراس رهزنان حکومتی ، و غارتگران متکی به قدرت حکومتی ، منافع مردم را بر می انگیزد و جامعه را هشیار می کند و با خطری که چنین چپاول های بی حساب و خلاف قانون ریشه ی مناسبات اجتماعی و به تباهی کشاندن آن دارد ، آشنا می سازد و این هنوز قلم زدن مهار شده تان در بین خط های قرمز خودی - غیر خودی ، مجاز - ممنوع ، خدمتگذار - توطئه گر ، ذوب شده - عامل بیگانه ، است ! بی تردید در عرصه ی سپید و بی خط قرمز فردایی آزاد ، پرواز شکوه مند تر واژگان آگاهی بخش ، زیبا و هنرمندانه تان را شاهد خواهیم بود.

شما راویان عسرت و رنج توده ها !

در حکایت تان - ملهم از زندگی درد مند مردم مان - خوانندگان تان را به عمق غم های بزرگ و شادی های اندک ، آرزومندی های بسیار و ناکامی های مدام مردم می کشانید. آنگاه ، حاصل رنج توان فرسای آفرینشگری تان بازیچه ی جمود فکری لباس داوری - به تن - پوشیدگان - مامور و دریوزه گران پول و منصب و بی خبر از ارجمندی آفریده های تان می شود ، و یا نشر آن را مانع می شوند ، یا مثله اش می کنند ، یا پس از نشر جمع آوری اش می کنند .

شما خلاقان عرصه تخیل و اندیشه و سرود !

با ابزار واژگان ، با کاهش جان ، بی بها شدن ارزش های انسانی ، سقوط اخلاقی ، و حاصل زهر آگین این همه ، یعنی یاس و نومیدی و بی بند وباری را شرح می کنید . با جلای واژه ها ، شادمانی های از کف رفته ی مردم و هوای تازه ی آزادی را در مشام دل شان که زیر آوار مصائب ماتم گرفته ، می دمید .

شما اربابان پنجه های خبره در ساز کردن نواهای شورانگیز! شما حنجره های ترانه پرداز شادی و اندوه مردم ! شما تصویر برداران هزاران تصویر و تلفیق آنها در نما های چشمگیر محرومیت های زنان و کودکان و مردان ، کارگران ، دهقانان و زحمتکشان ، بر پرده های سپید سینما!

شما طراحان چهره های مردم و روزگارشان با خط و رنگ ، در سکوت و بی رونقی نمایشگاه ها که فریاد بی صدایی ست به ضد دشمنی واپس گرایان با هرچه نو و نوئی است !

شما خاک خورندگان همواره آزار دیده و محرومیت کشیده ی صحنه بازی های هنرمندانه ! با دست و پاهای بسته بر صحنه چنان گوشه هایی از زندگی مردم تان را در برابر انظار مشتاقان به جلوه در می آورید که فرمان دهندگان اجازه نامه های رسمی را

از کرده پشیمان می سازید.

شما که روز خبرنگارتان روز عزای ملی اعلام می شود، و میهن تان، ایران، بزرگ ترین زندان روزنامه نگاران در جهان شناخته می شود و روزنامه های تان به جرم پا بیرون گذاردن از خط قرمز منافع نامشروع حاکمان مردم ستیز، بسته می شوند و نویسندگان و تصویرگران و مدیران تان در چنگال قوه قضائیه ی فرهنگ کش گرفتار می آیند.

آری شما یان که روزتان با عشق به کارت تان، عشق به حقیقت و عدالت آغاز می شود و شب را نمی دانید در کنج کدام حبس گاه علنی و مخفی رژیم سر بر بالین تهمت و افترا و تشویش اذهان می نهید! و همه ی ماه و سال تان را زیر نگاه عبوس و تهدید گر سانسور و قداره بندان امنیتی و قضایی سپری می کنید که جان و حیثیت و حتی نان روزانه و زندگی خانوادگی تان را هدف گرفته اند، آری شما یان، عمری را با شکنجه ی جان و تن و تنگی معیشت، و به شوق جستجوی معنای والای زندگی، دشوار زیستن در میهنی که دوست می دارید، و در کنار مردمی که دوست تان می دارند، در زیر سایه ی سیاه و بلا خیز رژیم واپس گرا تاب آورده اید.

کنگره پنجم حزب توده ایران، به شما نویسندگان، شاعران و هنرمندان، به شما راویان رنج مردم و بشارت دهندگان مبارزه و امید، درود می فرستد.

پنجمین کنگره حزب توده ایران

مهر ما ۱۳۸۲

پیام پنجمین کنگره حزب توده ایران

به احزاب و سازمان های ملی و آزادی خواه کشور

دوستان، همزمان و آزادی خواهان کشور!

کنگره پنجم حزب توده ایران، صمیمانه به همه شما که همگام با توده های خلق در مبارزه دشوار و بغرنج کنونی برای تحقق حقوق بشر، دموکراسی و عدالت اجتماعی شرکت فعال دارید، درود می فرستد. کنگره ما، که در شرایط فوق العاده حساس کشور بر گزار گردید، بر پایه بررسی تحولات کشور و اوضاع بغرنج منطقه، تلاش در راه ایجاد یک جبهه وسیع مردمی بر ضد دیکتاتوری حاکم را، به مثابه جایگزین مردمی و دموکراتیک مهمترین وظیفه در پیکار برای تحقق آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و طرد رژیم ولایت فقیه ارزیابی کرد.

پنجمین کنگره حزب ما پراکندگی در صفوف نیروهای آزادی خواه و عدم همکاری در طیف وسیع نیروهای مخالف رژیم ولایت فقیه را یکی از عمده ترین نارسایی های جنبش، که متأسفانه همچنان ادامه دارد، ارزیابی کرد. ما بار دیگر آمادگی حزب توده ایران را برای همکاری و اتحاد با همه نیروهای سیاسی دموکراتیک و آزادی خواه کشور اعلام می کنیم. اتحاد عمل برای وسعت بخشیدن به نقش توده ها در تحولات سیاسی اجتماعی میهن و تعیین سرنوشتشان وظیفه درنگ ناپذیری است که تشدید تلاش های همگی ما را می طلبد.

حزب توده ایران معتقد است که تنها راه پیشرفت جامعه ایران و شکستن سد دیکتاتوری رژیم ولایت فقیه دخالت هر چه بیشتر توده ها در این امرست. از این رو حزب توده ایران حاضر به گفتگو و تبادل نظر همه جانبه و همکاری با همه نیروهای آزادی خواه پیرامون شعارهای کلیدی یی که بر بستر واقعیت جامعه ایران و موقعیت حساس منطقه و جهان قرارداشته باشد، است. حزب توده ایران وجود برخی اختلاف برداشت های اجتماعی، اقتصادی و فلسفی، و به ویژه تفاوت جهان بینی ها در بین نیروهای سیاسی را در امر این اتحاد ها و همکاری های سیاسی طبیعی می داند.

حزب توده ایران بر این باور است که، مشکل تاریخی عدم اتحاد، همکاری و تبادل نظر نیروهای سیاسی موجب آن شده است که هر تحول مثبتی در اوضاع سیاسی کشور نهایتاً نافرجام بماند. تاریخ معاصر میهنمان، از انقلاب مشروطه تا امروز گواه این است که جنبش های مردمی عمدتاً به دلیل تفرقه نیروهای سیاسی، در پی استقرار مجدد دیکتاتوری و ریختن خون آزادی خواهان به ناکامی انجامیده است. عدم باور به ضرورت اتحاد نیروهای سیاسی آزادی خواه، چشم اسفندیار جنبش بوده و خواهد بود. شایستگی هر کشوری برای تحول پایدار در جهت آزادی و دموکراسی، بسیار پیش از آن تحول پی ریزی می شود و معیار آن سطح سازمان یافتگی نیروهای سیاسی و توانایی شان برای اتحاد عمل و همکاری دموکراتیک با یکدیگر است. این حقیقتی است که، هم سران رژیم ولایت فقیه و هم قدرت های امپریالیستی، به طور پایه یی مخالف شکل گیری اتحاد های قدرتمند نیروهای سیاسی آزادی خواه ایرانند. دستگاه امنیتی - اطلاعاتی رژیم ضمن سازمان دهی سرکوب بلاوقفه در هر زمانی که خود را از کنترل وقایع عاجز می بیند، سرمایه گذاری یی نامحدود برای ایجاد پراکندگی، انشعاب و اختلاف درون گروهی و فراگروهی از طریق نفوذ، تطمیع، تهدید، کسب اطلاعات، کار ایدئولوژیک و انتشارات رنگارنگ؛ و نیز قبول اصلاحات بسیار سطحی به هدف ایجاد حداقل رضایت اجتماعی و کنترل افکار عمومی، در این مسیر می کوشد.

از سوی دیگر قدرت های امپریالیستی با معامله های پشت پرده با رژیم و کنترل و هدایت آن به سمت استحاله در حد حداقل قابل قبول برای حفظ ظاهر آبرومند گسترش روابط و حفظ و تامین منافع تاکتیکی و منطقه ای در مسیر برنامه های استراتژیک خود؛ و کمک به قدرت رساندن جایگزینی خارج از چارچوب سازمان های سیاسی مترقی عملاً و به شکل هدفمند در مسیر ایجاد جبهه واحد ضد دیکتاتوری خرابکاری کرده است. این حقیقتی است که قدرت های امپریالیستی در پی گیری این هدفها، ضمن قبول همکاری با برخی از سازمانهای اپوزیسیون، به تناسب ضرورت، حقوق بشر و آزادی های دموکراتیک را ممکن است وجه المصلحه قرار داده و یا قربانی کنند.

دوستان و همزمان!

حوادث تاریخ معاصر میهن ما گواه این حقیقت است که، ما درس رکوب، زندان، شکنجه و اعدام، همواره صف واحدی داشته ایم. ارتجاع و دیکتاتوری بدون لحظه یی تردید ما را در یک جبهه دیده و هدف تیغ خونبار خود قرار داده است. ولی دریغ که در روند مبارزه دشوار و بغرنجمان، با تردید و پراکندگی خود، به دشمنان آزادی اجازه داده ایم تا یک یک و به نوبت به آسانی سر ما را به سنگ بکوبد و تحولاتی را که با رنج و خون فراوان توده ها به انجام رسیده بود، نابود کند. یک صدسال پس از انقلاب مشروطه، ما هنوز درباتلاق دیکتاتوری فردی دست و پا می زنیم. صدمات و تلفات جبران ناپذیر تاریخی، به دلیل عملکرد تفرقه آمیز، منفرد، جدا از مردم و یا سکتاریستی، در تاریخ یک صد ساله اخیر، صرفنظر از علل زیربنایی اقتصادی-اجتماعی آن، ضرورت راه یابی موثر را جهت غلبه بر این ضعف جنبش مردمی میهن مان را بیش از پیش برجسته می کند. اختلاف بی دلیل بین نیروهای سیاسی کشور عملاً به گرایش منفی سیاست گریزی و بی باوری به فعالیت های حزبی و سازمانی، با وجود نقش حیاتی آن در تحولات پایدار سیاسی، میدان داده است. بی

تردید تنها ارتجاع است که از این نتیجه بهره خواهد برد.

سازمان گریزی، که گاهی از سوی برخی روشنفکران میهن ترویج می شود، خود میدان دادن به قدرتهای امپریالیستی، حکومت و ارتجاع داخلی است، که علاوه بر امکانات نامحدود خود، در بالاترین سطح ممکن متشکلند و توانایی مقابله با هر تشکل منفرد، پراکنده و نامصمم و جدا از توده ها را دارند. گرفتن امتیازات، یا غلبه بر صف واحد ارتجاع، بدون سازمان دهی و اتحاد فراگیر نیروهای آزادی خواه ممکن نیست.

این حقیقتی است تاسف بار که نیروهای آزادی خواه میهن پس از ۱۵ سال هنوز نتوانسته اند که تلاش های هماهنگ، یکسو و موثری را برای به ثبت رساندن فاجعه قتل عام زندانیان، به عنوان یک جنایت ضد بشری، در مراجع رسمی بین المللی، سازمان بدهند. نتیجه طبیعی این بوده است که سازمان دهندگان این جنایت، در بالاترین سطوح حاکمیت، گریبان خود را رهانده، و در سکوت هماهنگ، مطلوب و یکپارچه، به جنایات خود ادامه می دهند. ما بدون هیچ پیش داوری یی دست یاری، دوستی و همکاری به سوی شما دراز می کنیم.

بگذار همکاری و تبادل نظر و مواضع مشترک ما پیام امیدی باشد برای جنبش آزادی، توده مردم و روشنفکران میهنمان، و نویدی به دموکراسی پایدار. ایجاد جبهه یا شورایی متشکل از سازمان های سیاسی آزادی خواه، دمکراتیک و مترقی - که خود می تواند جذب کننده شخصیت های سیاسی - اجتماعی برجسته و منفرد نیز بشود - ضرورت تاخیرناپذیر تاریخی یی است که همه ما در برابر آن مسئول و پاسخگویم.

حزب توده ایران، آمادگی خود را برای گفتگو و تبادل نظر و همکاری مشترک در مورد همه مسائل حاد جامعه و از جمله حقوق بشر، اعم از آزادی زندانیان سیاسی، آزادی بیان و اندیشه، حقوق زنان، ملیت ها و مذاهب و ... و یا در رابطه با لوایح قانونی، انتخابات، سیاست های رژیم در خصوص روابط خارجی (منطقه ای و جهانی)،

نظامی گری، محیط زیست و تحریکات امپریالیستی در منطقه، با همه سازمان ها و احزاب سیاسی آزادی خواه کشور، اعلام می دارد.
حزب توده ایران آماده همکاری با همه نیروهای راستین ضد استبداد، و بررسی مسئولانه هر گونه پیشنهاد عملی و یا طرح فعالیت و همکاری مشترک در مسیر مبارزه برای حصول دموکراسی در میهن ماست.

کنگره پنجم حزب توده ایران

مهرماه ۱۳۸۲

پیام پنجمین کنگره حزب توده ایران به اعضاء و هواداران حزب

رفقای عزیز!

پنجمین کنگره حزب توده ایران، گرم ترین دروذهای رزمجویانه خود را به شما پرچم داران حزب ارانی و پیکارگران ثابت قدم صلح، آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی، که در شرایط فوق العاده حساس و پیچیده کنونی میهن به مبارزه راه گشایانه و اتحادجویانه خود بر ضد رژیم ارتجاعی «ولایت فقیه» ادامه می دهید، تقدیم می دارد. کنگره پنجم که در آستانه بیست و پنجمین سالگرد انقلاب شکوهمند بهمن ۵۷، انقلابی که شما با رزم ستودنی خود در صفوفی متحد با دیگر نیروهای سیاسی دموکرات و آزادی خواه و با به مصاف کشیدن رژیم دیکتاتوری سلطنتی پیروزی آن را ممکن کردید، برگزار شد و با تجزیه و تحلیل شرایط اسفبار اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کشور بار دیگر به ضرورت تعطیل ناپذیر ایجاد جبهه واحد ضد دیکتاتوری برای طرد رژیم «ولایت فقیه»، به مثابه عمده ترین سد بر سر راه تحولات بنیادین در میهن، انگشت تاکید گذارد. امروز همه نیروهای مدافع آزادی، دموکراسی و اصلاح طلبی، خصوصاً گردان های عمده جنبش مردمی، کارگران و زحمتکشان، جوانان و زنان بر پایه تجربه عینی خود در این امر متحد هستند که با وجود ادامه رژیم «ولایت فقیه» نمی توان به اصلاحات واقعی در زمینه آزادی ها و دموکراسی امیدوار بود. نزدیک به یک ربع قرن پس از انقلاب ملی، دموکراتیک و استقلال طلبانه بهمن ۵۷ کارنامه حکومت جمهوری اسلامی کارنامه یک حکومت ورشکسته، ضد مردمی و ضدملی است که فقط با تکیه به سرکوب خشن و خونین، بند و بست با نیروهای ارتجاعی در عرصه بین المللی، و

سودجویی از نبود جبهه یی فراگیر از نیروهای مدافع آزادی، دموکراسی و صلح به حیات خود ادامه می دهد.

رزمندگان توده ای!

ادامه و تعمیق بحران اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در سال های اخیر، شرایط عینی جذب بخش های وسیعی از مردم میهن به مبارزه بر ضد رژیم «ولایت فقیه» را ایجاد کرده است. گسترش ابعاد و تنوع اشکال مبارزه بر ضد رژیم، که در سال های اخیر و از جمله در رابطه با مبارزات دانشجویی شاهد آن بوده ایم، وظایف حساس و سرنوشت سازی را در مقابل همه نیروهای پیشرو جامعه قرار می دهد. در این شرایط حساس و با توجه به وضعیت بحرانی منطقه و تلاش های نیروهای ورشکسته و رانده شده سلطنت طلب در جهت توجیه مداخله امپریالیسم در کشور و انحراف توجه توده ها و به ویژه جوانان از آماج های عمده مبارزه، وظایف مهمی بر دوش مبارزان توده ای قرار گرفته است. افشاگری و اطلاع رسانی در زمینه خطرات جدی یی که طرح های مداخله جویانه امپریالیسم، در زمینه احیای نیروهای وابسته به خود، با سوءاستفاده از فجایع و جنایات رژیم، و یا حتی استحاله کنترل شده رژیم و معامله با آن، به قیمت قربانی کردن جنبش آزادی خواهی، میهن ما را تهدید می کند، وظیفه یی تعطیل ناپذیر است. باید از تجربیات ذیقیمت دیگر خلق های جهان، و از جمله آفریقای جنوبی و ونزوئلا، درس آموزی کرد و راه های پیوند زدن مبارزه کارگران و زحمتکشان، جوانان و زنان در شرایط مشخص و ویژه میهن را برای مقابله با توطئه های دشمنان داخلی و خارجی جنبش مردمی بررسی کرد. ضرورت امر سازمان دهی جنبش توده ای تعویق ناپذیر است.

رفقای مبارز!

توده ای ها منادی آگاهی صنفی، اجتماعی، سیاسی و سازمانی اند. ما بر این باوریم که مسیر تحول جنبش آزادی خواهی از طریق گسترش سازمان های مردمی در تمام

سطوح جامعه، بر مبنای اتحاد عمل و دموکراسی، میسر است. دموکراسی و آزادی واقعی تنها می تواند بر این زمینه پی ریزی شود و پایدار بماند. تشکل ها و سازمان های مدنی، صنفی، اجتماعی فراگیر کمک می کنند که مردم هرچه گسترده تر در تعیین سرنوشت خود فعال بشوند و از تجاوز به حقوقشان، از جانب هر که باشد و در هر زمان، جلوگیری کنند. هر نیاز مردمی، هر چند کوچک، می تواند پایه تشکلی دموکراتیک باشد که در استمرار خود به مراحل عالی تر فراروید. صحت این امر را تجربه سالهای اخیر نشان داده است. گسترش چنین نیرویی می تواند مهار موثر بر نیروهای ارتجاعی جامعه و جلوگیری از فجایع و رنج های بیشتر باشد. تشکل ها و سازمان های صنفی کارگران و زحمتکشانشان در این عرصه می توانند نقشی پیگیر و رزمنده ایفا کنند.

رفقای مبارز!

کار موثر و هدفمند در جهت ایجاد جبهه متحد نیروهای سیاسی دموکرات و آزادی خواه میهن بر محور عمده ترین شعار های جنبش مردمی، در لحظه کنونی، جنبه حیاتی دارد. در این رابطه باید در سطح جنبش برای ایجاد توانایی تحمل اندیشه های مختلف، و قبول ضرورت کار مشترک با همه آن نیروهایی که شعارهای سیاسی خود را در چارچوب تحولات دموکراتیک - ملی تنظیم می کنند، کاری هدفمند را سازمان داد. تشکیل جبهه متحد نیروهای آزادی خواه شرط ضرور پیروزی مبارزه برای تحولات پایه ای در میهن و سنگ بنای ایجاد جامعه ای آزاد و دموکراتیک است که، یک قرن پس از انقلاب مشروطه و با وجود فداکاری ها، صدمات و قربانیان بی شمار، هنوز ممکن نشده است. عدم همکاری و اتحاد نیروهای سیاسی، بی احترامی و بی توجهی به اندیشه های گوناگون، یکسونگری و خودمحموری، قدرت طلبی انحصاری و شیوه های مبارزه جدا از مردم چشم اسفندیار جنبش های انقلابی - اجتماعی یک قرن گذشته بوده است. کوشندگان راه آزادی و تحولات دموکراتیک تنها با توجه به اهمیت اتحاد عمل و تلاش در راه سازمان دهی مبارزه مشترک است که می توانند از تکرار تجربیات دردناک

گذشته پرهیز کنند.

در مبارزات سرنوشت ساز کنونی برای آینده تحولات میهن اعضا و هواداران حزب توده ایران بر پایه تجربیات شصت و دو ساله تاریخ مبارزاتی خود وظایف مهمی را در جهت برحذر داشتن جنبش از دام ها و گزند ترفندهای محیلا نه ارگان های امنیتی رژیم به عهده دارند. جنبش اصلاح طلبی و فضای محدود ایجاد شده نباید ما را از هشیاری انقلابی نسبت به خطر سرکوب و جنایت نیروهای حکومتی نسبت به پیشروان جنبش غافل کند. فاجعه یی که خمینی و پیروانش، در دهه اول پس از انقلاب برای نیروهای دگراندیش آفریدند نباید ما را از احتمال وقوع فاجعه مشابهی توسط حکام کنونی برای به دست گرفتن کنترل اوضاع در لحظات بحرانی محتمل آینده، غافل کند. نیروهای ارتجاعی که، در سال های پس از انقلاب بهمین، در پس پرده رشد کرده و شیرازه سیاست گذاری کلان رژیم را، و از جمله در عرصه امنیتی به دست دارند بسیار قدرتمندتر و هدفمندتر از این یا آن شخصیت سیاسی منتخب عمل می کنند. آنها با امکانات وسیع اطلاعاتی، امنیتی و نیروهای مسلح و نیمه مسلح، آماده اند تا ضربات جدی یی را بر پیکر جنبش مردمی وارد کنند.

حزب توده ایران همچنین به ضرورت تمایز جدی قائل شدن میان اصلاح طلبان حکومتی و جنبش اصلاح طلبی اصرار می ورزد. تجربه گرانبهای شش سال اخیر ثابت کرده است که بخش عمده یی از اصلاح طلبان حکومتی با اولویت دادن به اصل «حفظ نظام» در برابر خواست های بر حق جنبش و مردم در حساس ترین مقاطع سرنوشت ساز در شش سال گذشته یا با ارتجاع مماشات کرده اند و یا در زمینه حفظ «ولایت فقیه»، غارت ثروت کشور، گسترش فاصله فقیر و غنی و سرکوب دگراندیشان در صف واحدی قرار گرفته اند.

رفقای عزیز

حزب توده ایران سال های دشواری از حیات خود را، به همت شما رزمندگان

دلیر، با موفقیت پشت سر گذاشته است، و با وجود همه صدمات و تلفات وارده توانسته است استوار و پیگیر همچنان در راه تحقق آرمان های بزرگ جنبش مردمی و طبقه کارگر و زحمتکشان میهن ما به پیکار خود ادامه دهد. رژیم جنایتکار نزدیک به بیست سال پیش حزب ما را مورد شدید ترین حملات قرار داد. صدها توده ای را به بند کشید، زیر وحشیانه ترین شکنجه ها قرار داد و شماری از برجسته ترین کارگران پیشرو، افسران دلاور ارتش، فعالان جنبش زنان و دانشجویی، متفکران، نظریه پردازان، نویسندگان، مترجمان، هنرمندان و رزمندگان راه آزادی و استقلال اجتماعی - رهبران، اعضاء و هواداران حزب ما را در جریان کشتار جمعی زندانیان سیاسی، در تابستان سال ۱۳۶۷، قتل عام کرد. ولی این حملات و در کنار آن کارزار آگاهانه رژیم برای ایجاد اختلاف و گسست در صفوف حزب، نتوانست به اهداف شوم خود دست یابد. پنجمین کنگره حزب توده ایران اطمینان دارد که توده ای ها، پایبند به سنن افتخار آفرین جنبش کارگری و کمونیستی ایران، قادر خواهند بود تا نقش شایسته خود را به مثابه پیکارگران حزب ارانی، حزب شهدای انقلابی مبارزه برای صلح، آزادی و عدالت اجتماعی در شرایط حساس کنونی ایفاء کنند.

صفوف حزب توده ایران به همه رزمندگان راستین راه خلق و طبقه کارگر ایران تعلق دارد. تقویت و گسترش هر چه بیشتر این صفوف، حفظ انسجام تشکیلاتی و تلاش در راه گسترش مبارزه آن از جمله عمده ترین وظایفی است که توده ای ها هر کجا که باشند در راه تحقق آن لحظه یی درنگ نخواهند کرد.

درد پرشور به خاطره تابناک شهدای توده ای و دیگر شهدای راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی!

زنده باد حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر و همه زحمتکشان!

پنجمین کنگره حزب توده ایران

پیام کنگره پنجم حزب توده ایران به زنان کوشنده و مبارز میهن!

* به زنان، یعنی آفرینندگان نسل های بشری و نعمت های مادی و معنوی میهن مان،
* به آنان، که جنبش نوخیز حقوق زنان، جنبش نوین ضد بی عدالتی اجتماعی - اقتصادی و سیاسی، جنبش ضد جنگ، دفاع از صلح، آزادی خواهی و آزادی بیان را شتاب تازه ای داده اند!

پنجمین کنگره حزب توده ایران در ده های آتشین خود را به شما رزمندگان دلیر و آگاه راه آزادی، دموکراسی و برابری حقوق اجتماعی زنان و مردان، تقدیم می دارد. آنچه که مهر باطل بر همه گونه نظریه های واپس گرایانه ی قدیم و جدید در باره ی زن کوبیده است، نظریه هایی که بر اساس تاویل هایی بر متون مقدس و اساطیری ساخته و پرداخته شده اند (و تنها در زمینه ی اسطوره شناسی یا هستی شناسی می توانند بگنجد، و با ساز و کار زندگی هزاره سومی اکنون ما هیچ گونه همخوانی ندارند) عینیت حرکت های اجتماعی، سیاسی و حقوقی تان، و وجود چهره های درخشان تاریخی - حتی از عهد باستان - و چهره های برجسته ی معاصر تان است. اثرات قاطع حضور فعال و شورانگیز تان در عرصه های متنوع زندگی اجتماعی - اقتصادی و سیاسی اکنون ما انکار ناپذیر است. توان مندی هایتان در رشته های مختلف علمی، در دانشگاه ها، از مراحل دانشجویی تا مقام استادی، و نیز در عرصه های گسترده و متنوع فرهنگی، ادبی، هنری - از دانش پژوه گرفته تا داستان نویس، شاعر، نقاش، فیلم ساز، بازیگر تئاتر و سینما و خواننده - و همچنین در عرصه های اجتماعی روز، فعالیت های سیاسی و حقوقی - از حقوق دان و کوشنده حقوق کودکان و نوجوانان و محرومان و

زندانیان گرفته تا فعال سیاسی، چه مستقل و چه وابسته به گروه‌ها، سازمان‌ها و احزاب، و نمایندگی در مجلس - و نیز در مقام تلاش‌گر خستگی‌ناپذیر در راه دست‌یابی به شان انسانی شایسته‌ی زن و حق طبیعی تان به عنوان زن - مادر و زن - شهروند دارای حقوق برابر با مردان، خشم واپس‌گرایان قرون وسطایی را برانگیخته است. بعد دیگر وجودتان، منبع آفرینش و تداوم نسل‌های بشری بر این پاره از کره‌خاکی و در حکم مظهر آفرینندگی و سرچشمه‌ی انگیزش شور و عشق در زندگی بشری و پرکشیدن آن به زندگی بی‌الا و انسانی‌ست، که برگ‌های درخشانی از ادبیات کهن و معاصر ما انباشته از شرح و وصف آن است. مبارزه‌ی شورانگیزتان که بشارت‌رهایی کل جامعه ما را نیز به همراه دارد، هدف‌های گونه‌گونی را دنبال می‌کند، هدف‌هایی همچون: مبارزه با سنت‌های واپس‌گرایانه، که به زور دستگاه جهل‌گستر و پرهزینه‌ی تبلیغاتی رژیم ولایت‌فقیه، از متن‌پندار بافی‌های عیب‌ناک استخراج شده، و به قصد تحمیل آن به مناسبات اجتماعی امروزی و به هدف «انسان دست‌دوم» نشان دادن شما در حکم امر طبیعی و ازلی ابدی است. آماج دیگر مبارزه تان، رویا‌رویی با فرهنگ مردسالاری، و نه «مبارزه با مرد»، چنان‌که خانم شیرین عبادی، شخصیت برآمده از جنبش شما و دارنده‌ی جایزه صلح نوبل، ابراز داشت. وی همچنین بر آن بود که، بخشی از ستمی که بر زنان میهن‌مان روا داشته می‌شود در زهدان خود زنان پرورانده می‌شود. روند رو به رشد آگاهی تان نسبت به حقوق و شان انسانی تان - حقوق و شانی که نشان داده‌اید شایسته‌آیند - بی‌تردید به شکست زن‌ستیزان تاریک اندیش خواهد انجامید. هدف دیگرتان در این سال‌ها مبارزه تان با رژیم ولایت‌فقیه بوده است، که بر کل جامعه‌ی ما قیم‌مابانه اعمال نظر می‌کند - تا چه رسد بر زنان که در منظرش انسان‌های دست‌دوم اند - و این، هدفی است عمده‌چرا که ارگان‌ها و نهاد‌های هم‌مین رژیم اند - به ویژه آنها بی‌که زیر نظارت مستقیم ولی‌فقیه قرار دارند - که منشاء وضع و اجرای قوانین زن‌ستیزانه در دوده بعد از انقلابی‌ست که شما نقش اساسی در آن داشته‌اید.

شما زنان میهن‌ما همواره، و دلاورانه، در برابر بی‌عدالتی‌های اجتماعی و اقتصادی، استعمار وحشیانه‌ی جسم و روح تان، در برابر غارت و چپاول انگل‌های اجتماعی و اقتصادی، دوشادوش، همگام و هم‌زبان با جنبش مردمی، جنبش کارگران و زحمتکشان شهر و روستا، جنبش دانشجویی و جوانان مبارزه کرده و می‌کنید. در صف‌های مقدم مبارزه دلاورانه و بی‌امان با محرومیت‌ها، چهره‌های درخشان و صمیمی تان همواره در تب و تاب بوده است.

کنگره پنجم حزب توده ایران، با احترام عمیق به مبارزه‌ی پرشورتان، درودهای گرم نثارتان می‌کند!

پنجمین کنگره حزب توده ایران

مهرماه ۱۳۸۲



پیام کنگره پنجم حزب توده ایران

به مردم قهرمان و حزب کمونیست کوبا

رفقای عزیز:

کنگره پنجم حزب توده ایران، همبستگی صمیمانه خود را با مردم کوبا و رفقای حزب کمونیست کوبا ابراز می‌دارد.

تهدیدات شرم آور رییس جمهوری آمریکا مبنی بر تحت پیگرد قرار دادن شهر وندان آمریکایی که به کوبا سفر می‌کنند، آخرین اقدام سیاسی تجاوز کارانه بر ضد کشور صلح دوست شماسست. ما این سیاست ضد مردمی که کاملاً در جهت سیاست تهاجمی آمریکا بر ضد کشورهای منطقه ما نیز هست، محکوم می‌کنیم. مردم شما که با مقاومت قهرمانانه خود سال‌های مدیدی در مقابل تحریم اقتصادی آمریکا ایستادگی و از دست آوردهای عظیم فرهنگی، اجتماعی و علمی همواره دفاع کرده‌اند، الهام بخش مبارزات خلق‌های دیگر جهان است. ما بدین وسیله همبستگی مجدد خود را با پنج قهرمان کوبایی که در نقض صریح حقوق بشر و قوانین بین‌المللی توسط آمریکا در میامی دستگیر و زندانی شده‌اند، اعلام می‌داریم.

ما امیدواریم که پیوند‌های همبستگی و همکاری رفیقانه میان احزاب مان، همچون گذشته، توسعه و تقویت بیشتر یابد.

یادرودهای گرم و رفیقانه
کنگره پنجم حزب توده ایران

پیام پنجمین کنگره حزب توده ایران

به خلق قهرمان فلسطین

شرکت کنندگان در پنجمین کنگره حزب توده ایران، درودهای انقلابی خود را به مردم قهرمان فلسطین و نیروهای سیاسی ترقی خواه از جمله حزب مردم فلسطین و

سازمان آزادی بخش فلسطین، تقدیم می‌دارند.

ما به شرایط دشواری که مبارزه نا برابر و قهرمانانه شما برضد سرکوب دولت اسرائیل، که تحت حمایت امپریالیسم آمریکا و در نقض صریح منشور سازمان ملل و قطعنامه‌های متعدد آن و قوانین بین‌المللی در جریان است، کاملاً واقف هستیم.

ما ادامه اشغال وحشیانه فلسطین و تشدید سیاست ترور دولتی از سوی آریل شارون را عامل اصلی بازدارنده روند صلح و امنیت در خاور میانه می‌دانیم. نیروهای ماورا راست حاکم در اسرائیل، به رهبری آریل شارون، با سوء استفاده از پشتیبانی نا محدود آمریکا، در تلاشند تا با ادامه اشغال فلسطین از رسیدن به توافقی عادلانه در تضمین حقوق مردم فلسطین، حق بازگشت مهاجران، خود مختاری و بنیان گذاری کشوری مستقل، بر اساس مصوبه‌های سازمان ملل متحد، جلوگیری کنند.

ما بر این باوریم که، امتناع اسرائیل از عقب نشینی به مرزهای ۱۹۶۷ محکوم به شکست خواهد بود. حل عادلانه و قطعی مسئله فلسطین تنها از راه استقرار یک دولت مستقل فلسطینی بر اساس خواست و اراده مردم فلسطین و بر مبنای قطعنامه‌های ۲۴۲، ۳۳۸ و دیگر مصوبات سازمان ملل، ممکن است. شرکت کنندگان در پنجمین کنگره حزب توده ایران، حملات وحشیانه دولت اسرائیل را بر ضد رییس جمهوری یاسر عرفات، رهبر منتخب مقاومت مردم فلسطین، به منظور اخراج و نابودی او، به شدت محکوم می‌کنند. حزب توده ایران معتقد است که پیروزی مبارزه شما عنصر مهمی در تامین صلح در منطقه حساس خاور میانه خواهد بود.

کنگره پنجم حزب توده ایران همبستگی رزمجویانه خود را با مبارزات بر حق شما اعلام می‌دارد.

یادرودهای گرم و رفیقانه
کنگره پنجم حزب توده ایران
مهرماه ۱۳۸۲